

آینده قدرت

جوزف نای

مترجمان : محمد حیدری - آرش فرزند



Nyc, Joseph S

: نای ، جوزف اس. ۱۹۳۷-م.

سرشناسه

: آینده قدرت / جوزف نای ؛ مترجمان محمد حیدری ، آرش فرزاد.

عنوان و نام پدیدآور

: تهران : نشر فرزاد روز ، ۱۳۹۲

مشخصات نشر

: ۴۴۴ ص. : جدول ، نمودار.

مشخصات ظاهری

: ۶- ۳۹۱-۳۲۱-۹۶۴-۹۷۸

شابک

: فیما وضعیت فهرست نویسی

: The future of power, 2011. : عنوان اصلی:

یادداشت

: قدرت (علوم اجتماعی)

موضوع

: حیدری ، محمد ، ۱۳۵۸- مترجم.

شناسه افزوده

: فرزاد ، آرش ، ۱۳۶۳- مترجم.

مترجم

: ۱۳۹۲ / ۲۷ / ۳۰ JC۳۳۰

رده بندی کنگره

: ۳۰۳/۳۳

رده بندی دیسی

: ۳۳۶.۰۶۰

شماره کتابخانه



فرزان

آینده قدرت

: نویسنده : جوزف نای

: مترجمان : محمد حیدری - آرش فرزاد

: با مقدمه ای از دکتر محمود سریع القلم

: چاپ اول : ۱۳۹۳

: تیراژ : ۱۱۰۰ نسخه : قیمت : ۲۰ تومان

: ناظر چاپ : مجتبی مقدم : طرح جلد : فرزاد طاییبیان

: حروف نگاری : شبستری : لیثی : عنوان

: چاپ : شمشاد : صحافی : تاج

: حق چاپ و نشر محفوظ است.

: میدان ونک ، خیابان گاندی شمالی ، پلاک ۹ ، واحد ۴

: تلفکس : ۸۸۸۸۲۲۴۷ - ۸۸۸۷۲۴۹۹۹ - ۸۸۶۷۹۴۴۳

: صندوق پستی : ۱۹۶۱۵/۵۷۶

: E-mail : info@farzanpublishers.com

: www.Farzanpublishers.com / www.Farzanpublishers.ir

ISBN: 978-964-321-391-6

شابک : ۶- ۳۹۱-۳۲۱-۹۶۴-۹۷۸

فهرست

یادداشت نویسنده (ی) جمعی فارسی	هفت
مقدمه‌ی دکتر محمد سریع	یازده
مقدمه‌ی مترجمان	هفده
دیباجه	۱
بخش یکم انواع قدرت	۱۵
فصل یکم: در امور جهانی، قدرت به چه ناست؟	۱۷
فصل دوم: قدرت نظامی	۵۱
فصل سوم: قدرت اقتصادی	۸۹
فصل چهارم: قدرت نرم	۱۳۳
بخش دوم جابه‌جایی‌های قدرت: پراکندگی و انتقال	۱۷۱
فصل پنجم: پراکندگی و قدرت سایبری	۱۷۷
فصل ششم: انتقال قدرت (مسئله‌ی 'فول آمریکا)	۲۵۰
بخش سوم سیاست	۲۱۵
فصل هفتم: قدرت هوشمند	۳۱۷
پی‌نوشت‌ها	۳۵۷

یادداشت نویسنده برای ترجمه‌ی فارسی

خوشحالم که کتاب آشنه می‌تدرت به فارسی ترجمه می‌شود. گرچه هرگز به ایران سفر نکردم اما آنرا کشوری مهم می‌دانم و از اندیشه‌ها و نظرات خوانندگان ایرانی استقبال می‌کنم. ایران نیز همچون سایر کشورهای جهان، در حال از سر گذراندن انقلاب اطلاعات است. انقلاب اطلاعات پدیده‌ی تازه‌ای نیست – می‌توانید تصور کنید بیافکنیم به تأثیرات شگرف اختراع گوتنبرگ در قرن پانزدهم، یعنی دستگاه چاپ – اما انقلاب اطلاعات امروزین در حال تغییر ماهیت قدرت و افزایش پایداری آن است. در صحنه‌ی جهان، حکومت‌ها همچنان به‌عنوان کنشگران بازی باقی خواهند ماند اما صحنه را بیش از پیش پرازدحام و هدایت آن را دشوارتر می‌یافت. اکنون جمعیت بسیار گسترده‌تری، چه درون کشورها و چه بیرون آنها، به قدرت دسترسی دارند که خود به سبب دسترسی به اطلاعات است. انقلاب اطلاعات کنونی مبتنی بر پیشرفت‌های شتابان تکنولوژی در کامپیوتر، ارتباطات و نرم‌افزار است. طی چند دهه‌ی گذشته، قدرت کار با کامپیوتر هر ۱۸ ماه دو برابر شده است و با آغاز قرن بیست و یکم، هزینه‌ی آن یک‌هزارم مقداری شد که در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ بود. ویژگی بارز این انقلاب اطلاعات، سرعت ارتباطات بین ثروتمندان و قدرتمندان نیست،

چرا که بیش از یک سده است که ارتباطات آنی از طریق تلگراف امکان پذیر شده است. دگرگونی اساسی، کاهش چشم گیر هزینه ی انتقال اطلاعات است. برای همه ی مقاصد عملی، هزینه های واقعی انتقال [اطلاعات] ناچیز شده است؛ از این رو، حجم اطلاعاتی که می توان در سراسر جهان انتقال داد عملاً نامحدود شده است.

در میانه ی سده ی بیستم، مردم از این هراسان بودند که مبادا کامپیوترها به کنترل شدید دولت مرکزی بر زندگی آنها بیانجامد، یعنی چیزی شبیه آنچه در رمان پادارمانی جورج اورول به نام ۱۹۸۴ تجسم یافته است. با همه کاهش هزینه های قدرت محاسبه و اندازه ی کامپیوترها در حد گوشی های هوشمند و دیگر تجهیزات دستی، قدرت تمرکززدایی آنها بر قدرت تمرکززدایی مان جبرگی یافته است. در مقایسه با همین چند دهه پیش، امروز قدرت کنش اطلاعات توزیع بسیار بیشتری پیدا کرده است و تعداد بیشتری از مردم بیش از پیش به اطلاعات دسترسی دارند.

آن چه از این جریان می فهمیم این است که سیاست جهان دیگر حوزه ای منحصر به دولت ها نخواهد بود. کاهش هزینه های ارتباطات و کار با کامپیوتر، موانع ورود به این عرصه را در حال ریزش است. چه افراد و چه سازمان های خصوصی، از شرکت کنندگان گشته تا سازمان های غیردولتی و تروریست ها و هکرها ی اینترنتی، قادر به ایفای نقش مستقیم در سیاست جهان شده اند. پراکنش اطلاعات به این معنای قدرت با وسعت بیشتری توزیع شده و شبکه های غیررسمی، انحصار اطلاعاتی دولتی را می شکنند. رهبران سیاسی از قدرت عمل کمتری برخوردار خواهند بود چرا که از یک سو باید در قبال رویدادها پاسخگو باشند و از سوی دیگر، ناچارند صحنه را با بازیگران بیشتری تقسیم کنند. افزون بر این، قدرت نرم جذب و روایت در عصر اطلاعات جهانی اهمیت بیشتری

خواهد یافت. زندگی در عصر اطلاعات به این معناست که جهان برای حکومت‌ها و گروه‌ها بسیار پیچیده‌تر خواهد شد. امیدوارم مفاهیمی که در این اثر گنجانده شده به خوانندگان کمک کند تا درک بهتری نسبت به تحولاتی که در این سده شاهد آنها هستیم به دست آورند.

جوزف اس. نای

کمبریج، ماساچوست

مقدمه‌ی دکتر محمود سریع‌القلم

یکی از شیوه‌های جذاب‌ترین تعاریف مفهوم «قدرت» استدلال می‌کند که قدرت را قدرت نهادی بهتر درک می‌کند که «محدودیت‌ها»ی آن را متوجه است. این تعریف قدرت به رئالیسم قرابت ویژه‌ای دارد. در حوزه‌ی قدرت، رئالیسم نشان می‌دهد و افزایش ایجاد می‌کند، در حالی که ایده‌آلیسم تخریب می‌کند. به عبارت دیگر افراد تحت تأثیر یک ایدئولوژی باشند، از رئالیسم و مزایای عملی آن فاصله می‌گیرند. فهم رئالیسم، فرهنگ، ذهنیت و ظرفیت‌های ویژه‌ای می‌تواند به معرّف این اصل است که تولید و تجارت، و در نتیجه علم و دانش انسان را به واقع‌گرایی نزدیک‌تر می‌کند و در صورتی که سیاستمداران یک کشور، یک درستی از مفاهیم مرتبط با تولید داشته باشند، کارآمدتر و وسیله‌ای برای بهررانی می‌کنند. کسانی که با اقتصاد و تولید سروکار دارند، ارقام را با دقت می‌کنند و محاسبات ریاضی حدود را بهتر در ذهن آنها مجسم می‌کنند. از این رو، میان تولید و اقتصاد و تجارت از یک سو و رئالیسم و محدودیت‌ها را متوجه شدن از سویی دیگر، تقارن وجود دارد.

اگر بخواهیم سطح تحلیل را قدری ارتقا بخشیم، باید بگوییم کسانی که محدودیت‌ها در حوزه‌ی قدرت را بهتر می‌فهمند، ضمناً توانایی افزایش

قدرت را هم دارند. افزایش قدرت و محدودیت‌های قدرت دو روی یک سکه هستند. افزایش قدرت در سیاست همیشه اصل بوده است. اما در چند قرن اخیر، صورت پیچیده‌تری به خود گرفته است، به طوری که افزایش قدرت به عنوان مثال جمعیت جهان را از یک میلیارد نفر در سال ۱۸۰۶ به هفت میلیارد نفر در سال ۲۰۱۲ رسانده است. براساس پیش‌بینی‌ها، طی دو دهه‌ی آینده طبقه‌ی متوسط جهان از ۴۰۰ میلیون نفر به یک میلیارد و دویست میلیون نفر افزایش خواهد یافت. ضمن آن که عموماً یک‌سوم جمعیت جهان در حلیه‌ی آبادها زندگی می‌کنند، در مقابل در دهی نیز طولانی‌تر و با کیفیت بهتری نسبت به قرون گذشته زندگی می‌کنند. تنها دو میلیارد نفر از هفت میلیارد نفر جمعیت جهان به اینترنت دسترسی دارند. این‌گونه آمار معرف این واقعیت است که انسان به یک توزیع مناسب درآمد و امکانات، راهی طولانی در پیش دارد. واقعیت این است که طی دو سه قرن گذشته، نظام سیاسی و اقتصادی مستطط حاکمی از رئالیسم است باعث تحولاتی در عرصه‌ی زندگی، علم، دانش و اندیشه‌ی بشری شده که سرجمع، زمینه‌های رشد و بهبود زندگی را فراهم کرده است و آن‌چه امروز تحت عنوان بحران قلمداد می‌شود، به‌طور عمده در پیاسه‌ی گذاری‌هاست و نه در مبانی فلسفی نظام‌های سیاسی و اقتصادی بین‌المللی. منطق قدرت فعلی و سازوکارهای تحقق آن در آسیا نیز باعث بهبود نسبی میلیون‌ها نفر شده است، به‌طوری که امروز سنگاپور با پنج میلیون نفر جمعیت، دویست میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی دارد و کره‌ی جنوبی با ۴۰ میلیون نفر ۹۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی را نشان داده است. عموم مردم چین از زندگی خود خشنودند و دولت و حکومت خود را که با رئالیسم

حکمرانی می‌کند، می‌ستایند، رئالیسم به افزایش قدرت می‌انجامد زیرا که محدودیت‌ها را به خوبی نمایان می‌کند.

کتاب جوزف نای در زمان مناسبی به چاپ رسیده است. همچنان که او در بخش تقدیر کتاب اظهار می‌دارد، بحث و نظر او طی دهه‌ها شکل گرفته است. گستره‌ی سرزمینی و قدرت اقتصادی، پیوسته سیاست‌مداران آمریکایی را متوجه توانمندی‌های نظامی کرده است و این ظرفیت تقریباً بی‌نظیر نظامی، «ذهنیت» خاصی را در طیف سیاست‌مداران این کشور به وجود آورده است که شاید این ذهنیت باعث شده تا تناسب بهتری از عناصر قدرت را افزایش قدرت استفاده نشود. نمونه‌های متعددی در مورد فرانسه، بریتانیا، چین و ایران باستان در بهره‌برداری از طیف قدرت می‌توان نام برد. قدرت نظامی آمریکا به درستی بر علیه فاشیسم و کمونیسم و افراطی‌گری برقرار نگه داشته شده است و در مقاطعی شاید بتوان گفت بشریت را نجات داده است. کتاب جوزف نای می‌خواهد آمریکا را متوجه بهره‌برداری کارآمدتر از عناصر متنوع قدرت نماید. ظهور چین طی دو دهه‌ی گذشته و افزایش کم‌نظیر قدرت اقتصادی و توان دیپلماسی آن در دوره‌ای کوتاه، نظریه‌پردازانی مانند نای را به این نتیجه رسانده است که تصویر آمریکا در جهان نباید صرفاً براساس سیستم نظامی شکل بگیرد. ضمن این‌که قدرت علمی و فن‌آوری از یک طرف و جایگاه دانشگاه‌های آمریکا از طرف دیگر، خود به خود قدرت نرم آن را در بیان ملل تقریباً بی‌نظیر می‌کند. نای در پی بلورین کردن اهمیت قدرت نرم و چهره‌سازی بیرونی یک کشور است. دنگ شائوپینگ رهبر چین در دهه ۱۹۸۰، عبارتی را مطرح کرد که به قطب‌نمای سیاسی و فرهنگی چین مبدل شد. او گفت: «ما برای افزایش قدرت چین به نیم قرن صلح با جهان نیاز داریم.» این عبارت بی‌تردید اوج سیاست‌مداری است. به محض

این که یک کشور در پی دفاع از سیاست‌های خود باشد، در سر‌آشویی ضعف افتاده است. در سه دهه‌ی گذشته، چین با اعتماد به نفسی چشم‌گیر، استراتژی ملی خود را دنبال کرده است. چین و سیاست‌مداران فهیم و سیاست‌فهم و قدرت‌فهم آن توانسته‌اند با احترام و منطق جایگاه ویژه‌ای در سطح جهان کسب کنند. بررسی رفتار چین نیز همچنان که در لابه‌لای صفحات کتاب نای مشخص است، او را بیشتر متوجه اهمیت قدرت نرم و قدرت هوشمند کرده است.

مطالعه‌ی این کتاب برای عموم ایرانیان بسیار مفید است. این کتاب برای کسانی که در امور رسانه‌ای فعالیت می‌کنند، مفیدتر است. تلویزیون در ایران با آخرین نقش را در نهادینه کردن پوپولیسم و تقریباً حذف عقل‌گرایی در صحنه‌ی عمومی جامعه‌ی ایرانی ایفا کرده است. از این رو، مطالعه‌ی این کتاب و صدها کتاب مشابه برای افرادی که سوابق علمی و تجربی فکری در امور رسانه و دیپلماسی ندارند و به صورت تصادفی مدیران می‌تواند تا اندازه‌ای راه‌گشا باشد و آنان را متوجه پیچیدگی‌های مدیریت اندیشه‌پر فکر کند. قدرت نرم، قدرت فکر هم هست و قدرت روش نیز. طی یک و نیم قرن گذشته، ایرانیان آرزوها و افکار بسیار خوبی داشته‌اند اما پیوسته در تحقق آنها دچار مشکل شده‌اند. حکومت قانون، مشروطه‌خواهی، ترقی، پیشرفت، حاکمیت ملی، رشد بومی، دفاع از ستمدیده‌گان و بسط معنویت نمونه‌هایی از این اهداف عالی است. شاید بسیاری از ملت‌های دیگر نیز همین اهداف را با اقل در ذهن خود حمل کنند، اما ظرفیت‌ها و توانمندی‌های یک ملت را فقط اهداف آنها قابل سنجش است و نه در بیان آن در سخنرانی‌ها و میمینگ‌های سیاسی. تاریخ گواه است که ایرانیان در ایجاد انسجام اجتماعی، پیشرفت پایدار، تولید و صنعت خارج از مدار نفت، نظم فکری و افزایش تدریجی

قدرت کلان کشور، رکورد چشم‌گیری ندارند. شاید بحران و کمبود در روش و فرایند و برنامه‌ریزی و تلقی از قدرت باشد. این مسئله حداقل می‌تواند جلوه‌ای از ضعف‌ها را نمایان کند. از این رو، برای کوتاه کردن زمان اندیشه‌ها و روش‌های پوپولیستی، کتاب جوزف نای می‌تواند افق‌های مناسبی برای تشکیل جامعه‌ای مبتنی بر اندیشمندان، نویسندگان، بگنان علمی، صنعت‌گران، تولیدکنندگان و ابداع‌گران را فراهم آورد.

دقت ترجمه‌های نای بسیار اهمیت دارد زیرا این کتاب نتیجه چند دهه کار علمی و اجرایی اوست. ترجمه‌ی دقیق و پُرسواس آقایان محمد خدایی، آرش فرزاد در فضاها، غیرحرفه‌ای ترجمه در ایران، بسیار قابل تأسف است. هرچند فرصت تطبیق واژه به واژه‌ی آن را طبعاً نداشته‌ام، اما متن کتاب به وقت فراوان متن را به وضوح نشان می‌دهد. از دوستان خود در نشر ایران روزی که این کتاب ارزشمند را به چاپ رساندند نیز به سهم خود سپاس می‌گویم.

محمود سریع‌القلم

مقدمه‌ی مترجمان

سیاست از چهره‌ی آنتی‌سی‌گردد و سیاستهای مطلوب با شناخت واقعیت آغاز می‌شوند. از آنجا که تصورات نمی‌توان جریان امور را مدیریت کرد، زمامداران یک کشور بر روی موانع راهبردهای مناسب جهت نیل به اهداف، لازم است محیطی را که در آن کنش دارند به دقت واکاوی کنند؛ با عینک آمار و ارقام به مقدمات نگاه کنند و درک درستی از محذورات و هنجارهای بین‌المللی داشته باشند، را که فعالیتهای هم‌سو با هنجارهای بین‌المللی نه یک بازی اختیاری است، بل الزومات راهبردی اساسی است.

جوزف نای، سیاست‌شناس و مهم‌ترین نظریه‌پرداز مدرن، در جدیدترین اثر خود با دورنگاهی راهبردی و رخنه به درون جعبه سیاه قدرت و انتشار رهنامه‌ی کاربرد قدرت در آینده، به بحث درباره‌ی موضوع و ماهیت دگرگون‌شده‌ی آن می‌پردازد. سلسله تحولات اخیر جهان سیاست که به گورکن ایدئولوژیهای فرتوت و یوسیده تبدیل شده است، اهمیت کتاب نای را بیشتر آشکار می‌سازد. رهبرانی که دیگر به زمانه‌ی ما تعلق ندارند قدرت را برحسب تعداد کلاهکهای هسته‌ای، توان، و ظرفیت نظامی تعریف می‌کنند. مثلاً زمانی مائو، رهبر چین، عقیده

داشت که قدرت از لوله‌ی تفنگ خارج می‌شود. اما اکنون قوانین حاکم بر نظام بین‌الملل دگرگون شده‌اند. به گفته‌ی نای، نقش قدرت نظامی در ساختار بندی سیاست جهان احتمالاً در قرن بیست و یکم همچنان تداوم خواهد یافت، اما بی‌شک سودمندی و کارآمدی قرن نوزده و بیست را برای حکومتها نخواهد داشت. اکنون تلفیق قدرت (سخت و نرم)، کسب قدرت با دیگران و هوشمندی مبتنی بر بستر می‌تواند در نیل به اهداف کالبدی باشد. قدرت در مفهوم امروزی خود به معنای «راهبرد تبدیل منابع طبیعی به نتایج مطلوب» است و این یعنی قدرت هوشمند. از این رو، در راهبردهای تبدیل منابع به قدرت کارآمد به متغیر مهمی بدل شده و تأثیر و غفلت رهبران از آن نتایج ناگواری را برای ملتها رقم خواهد زد.

منابع طبیعی را نمی‌توان به راحتی به ثروت و سپس قدرت تبدیل کرد. مثلاً جمهوری آذربایجان جمعیتی حدود نیم میلیون نفر و برخوردار از منابع غنی نفتی، مثلاً از به اصطلاح آفت منابع است چرا که رئیس جمهور آن، که طی کودتایی در سال ۱۹۷۹ به قدرت رسید و هنوز قدرت نامشروع خود را بر مردم دیکته می‌کرد، پول حاصل از ثروت نفت را نه صرف توسعه‌ی جامعه و توانمندسازی شهروندان که صرف تثبیت هرچه بیشتر قدرت خود می‌کند که رقم زدن بیشترین نرخ مرگ و میر کودکان در این کشور از جمله تبعات آن است.

زاین، کشوری که فاقد منابع نفت و گاز است، در قرن بیستم عمدتاً با تکیه بر سرمایه و نیروی انسانی و ذخیره‌ی عقلی خود به یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان تبدیل شد، در حالی که از آن سو، برخی از کشورهایی که از منابع طبیعی سرشاری نظیر نفت برخوردارند، نتوانسته‌اند آن را به ثروت و قدرت ملی تبدیل کنند. «آفت نفت» بر این

کشورها سایه افکنده است و در نتیجه‌ی تأثیرات اجتماعی و اقتصادی حاصل از آن - که مانع توسعه‌ی قدرت ملی، فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری گسترده بر نوغ و سرمایه‌ی انسانی می‌شود - بر صحنه‌ی سیاست جهان چیزی برای گفتن ندارند. بنابراین، تبدیل منابع به قدرت بالابال، رابطه‌ای پیچیده و نیازمند راهبرد مناسب و سیاست‌ورزی ماهرانه است و داشتن منابع قدرت حتماً تضمین‌کننده‌ی نیل به نتایج مطلوب نیست.

این اقتصاد قدرتمند و در حال رشد، پایه‌ای برای تمامی ابزارهای قدرت فراهم می‌کند. منابع اقتصادی در صورتی که با استفاده از راهبردهای تبدیل، به نتایج مطلوب منجر شوند، می‌توانند قدرت نرم را در پی داشته باشند. یک الگوی اقتصادی برتر می‌تواند دیگران را برای تقلید از آن جذب و ترغیب کند. قدرت نرم عادی اروپا در پایان جنگ سرد و قدرت نرم چین در جهان امروز به‌واسطه‌ی موفقیت الگوهای اقتصادی آنها رقم خورده است. از این رو، اقتصاد بزرگ و موفق یکی از ستونهای قدرت نرم خواهد بود. توجه به سرشت درنده‌یالان گر قدرت نرم، چیزی که گاه برخی از صاحبان قدرت از آن بی‌خبرند، در عصر پراکندگی قدرت از اهمیتی حیاتی برخوردار است. نمونه‌ای از بی‌توجهی به قدرت نرم، رویکرد بوش پسر بود؛ سیاستهای جهادگرانه و بی‌پایانی او در سیاست خارجی، حمله به عراق و ضعف او در هوشمندی مبتنی بر بستر، نه‌تنها سیمای مثبت آمریکا را مخدوش ساخت که باعث ریش‌ریش بیشتر بنیادگرایی و رادیکالیسم به‌ویژه در منطقه‌ی خاورمیانه شد. عقیده‌ی نای، مشکل تمام حکومتها در عصر پراکندگی قدرت این است که اتفاقات بسیاری در خارج از دایره‌ی قدرت و کنترل آنها - حتی قدرتمندترین آنها - رخ می‌دهد. شرکت گوگل در اوایل سال ۲۰۱۰

اعلام کرد که از تجارت در چین دست کشیده است و بنابراین، بر قدرت نرم چین هزینه‌های قابل توجهی تحمیل کرد. یا اقدام کشیش سرکش فلوریدایی در سال ۲۰۱۰ که با تهدید به قرآن‌سوزی، احساسات ضدآمریکایی جمعیت مسلمان را تشدید کرد و قدرت نرم این کشور را تا اندازه‌ای تخریب کرد. یا در مقابل، اصغر فرهادی که به شیوه‌ای کاملاً متفاوت تأثیرگذار بود. از این رو، قدرت نرم واقعی از دل جامعه (فرهنگ، ارزش‌ها، الگوی داخلی مثبت، اقتصاد موفق) بیرون می‌آید و نه حکومت، و به کارگزارانی سنجیده‌ی آن به‌ویژه در عصر سایبری اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. وظیفه هر کشور، به‌خصوص خاص خود را می‌طلبد. البته، حکومتها می‌کوشند در چارچوب قدرت نرم، فرهنگ و روایتهای خاص خود برای تولید قدرت نرم استفاده کنند. اما قدرت خود را ارتقا بخشند اما چنانچه گفت‌مانها و نمادها یا واقعیتهای داخلی آنها هم‌خوانی نداشته باشد، کار پیچیده می‌شود و منابع قدرت نرم را هدر می‌دهد. چنین است که برای مثال، چین از یک سو با برگزاری موفقیت‌آمیز المپیک بر قدرت نرم خود می‌افزاید و در عین حال، ساختار سیاسی غم‌دموکراتیک آن منجر به وضعی اساسی در فرایند تولید قدرت نرم می‌شود.

مشکل اغلب کشورها در قرن بیست‌ویکم کوشش‌های مبتنی بر بستر است؛ این که حتی قدرتمندترین کشور جهان نیز به دست‌یابی به اهداف خود نیازمند یاری دیگران است. سیاست‌مداران باید به یاد داشته باشند که با قوانین حاکم بر نظام بین‌المللی کنونی هم‌نوا سازند و براساس آن رفتار کنند. «بازیگران هوشمند» در نظام بین‌الملل باید با رندی هرچه تمام‌تر جای تلاش برای تغییر ساختار نظام بین‌الملل که کاری است بیهوده و رؤیاپردازانه، مقام و جایگاه خود را در درون آن ارتقا دهند.

می‌توان ادعا کرد که کتاب نای در زمره‌ی کتابهای بالینی درباره‌ی

ماهیت متغیر قدرت در جهان امروز است زیرا تیزکاوی و ژرفیابی آن حاصل دهه‌ها اهتمام و پژوهش او پیرامون مسئله‌ی قدرت بوده است. این اثر اطلاعات ارزش‌مندی در اختیار سیاست‌گذارانی که از درک تغییرات ناتوان نیستند قرار می‌دهد چرا که همچون تور بزرگی کمابیش تمام پویای‌های مفهوم قدرت را شکار کرده است. کتاب نای همچون منشوری است که هر حکومتی می‌تواند از درون آن نقاط ضعف خود را ببیند و نیز از شکارهایی که بر آن گنجانده شده است بهره‌ی لازم را ببرد.

در کتاب سندی کتاب پیش رو برای خوانندگان ایرانی، دکتر محمود سریع‌القلم از مقدمه‌ای که با بزرگواری تمام برای این کتاب نوشته‌اند، همه‌ی گفتنی‌ها را گفته‌اند. من جا لازم می‌دانیم از ایشان که در ترجمه‌ی کتاب نیز مشوق ما بودند قدسی و سپاس‌گزاری کنیم. از نویسنده‌ی کتاب نیز به‌سبب یادداشتی که در متن ترجمه‌ی فارسی آن نوشته‌اند تشکر می‌کنیم. در نهایت، سپاس‌گزار مسئولان نشر فرزان روز هستیم که بار دیگر ترجمه‌ای از ما را برای چاپ و انتشار پذیرفتند.

محمد حیدری

آتش فرزاد